

مسئله اصلی چالش‌های جهانی شدن سیاست نرخ ارز است

اشاره:

موضوع نرخ برابری ارزها و آزاد شدن حساب سرمایه، از مباحثی است که در راستای تقویت یکپارچگی نظام اقتصاد جهانی در سال‌های اخیر مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی در سطح بین‌المللی بوده است و صندوق بین‌المللی پول در جلسات گوناگون بر آن تأکید داشته است.

تجربه تلخ بحران پولی آسیا در اواخر قرن بیستم، موضوع آزادسازی حساب سرمایه را تحت‌الشعاع قرار داد و بی‌ثباتی ارزهای آسیایی و خروج میلیاردها دلار سرمایه از شرق آسیا سبب شده که امروز اقتصاددانان صندوق بین‌المللی پول نیز با احتیاط بیشتری در این مقوله اظهار نظر کنند و راهکار نشان دهند. با این وجود، موضوع آزادسازی حساب سرمایه به کلی کنار گذاشته نشده، بلکه راه‌های دستیابی به آن مورد مباحثه می‌باشد.

هورست کهلر مدیر عامل صندوق بین‌المللی پول در اجلاس اخیر وزیران دارایی آسیا و اروپا بار دیگر بحث نرخ‌های شناور ارز و گشودن حساب سرمایه را پیش کشید. وی مسئله اصلی چالش جهانی شدن را سیاست نرخ ارز می‌داند.

اظهارات کهلر در این اجلاس در شماره اخیر نشریه «بررسی صندوق بین‌المللی پول» به چاپ رسیده که جهت آگاهی خوانندگان محترم نشریه بررسی‌های بازرگانی» مبادرت به ترجمه و تلخیص آن نمودیم.

توسعه شدید اقتصاد جهانی در دو سال گذشته در آستانه کاهش است. کاهش رشد اقتصادی در آمریکا و بهبود روبه زوال رشد اقتصادی ژاپن بطور اخص موجب افزایش مخاطرات معکوس در اقتصاد جهانی شده است، لیکن در حال حاضر مبادرت ورزیدن به اجرای سناریوی روزداوری، امری اغراق‌آمیز خواهد بود.

کهلر گفت: کاهش نرخ‌های بهره پایه در آمریکا در ژانویه ۲۰۰۱، اقدام به موقعی برای کمک به تضمین وام‌دهی با شرایط سهل در آمریکا و تحکیم دورنماهای رشد جهانی بود. امریکا در صورت لزوم فرصت‌های بیشتری برای مانور دادن در سیاست‌های پولی و مالی به طور توأم در اختیار دارد.

اصلاحات اقتصادی در اروپا پیشرفت کرده و اصلاحات مالیاتی به موقع در حال اجرا است. باین وجود اروپا و ژاپن می‌توانند و باید اقدامات بیشتری را برای بالا بردن میزان رشد اقتصادی به عمل آورند و از آن طریق اعتماد سرمایه‌گذاران در اقتصاد جهانی را بالا ببرند.

کلید معما در تعمیق و تسریع اصلاحات ساختاری است و باید توجه خاص به تجدید ساختار بخش حقوقی و مالی در ژاپن و اصلاحات بازار کار و مستمری در اروپا مبذول

شود. علاوه بر آن، جامعه بین‌المللی وجود آورده که این مشکلات برای و مخاطرات ناشی از بی‌نظمی‌ها، باید اعتماد سرمایه‌گذاران را بالا ببرد کشورهای در حال گذار آسیا و مسؤولیت دارند.

و این کار را از

طریق انجام دور جدید مذاکرات سازمان جهانی تجارت با هدف افزایش مبادلات آزاد تجاری، انجام دهد.

برای افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران، کلید معما، تعمیق و تسریع اصلاحات ساختاری است و باید به تجدید ساختار بخش حقوقی و مالی در ژاپن و اصلاحات بازار کار و مستمری در اروپا، توجه خاص مبذول گردد.

همچنان نرخ‌های ثابت ارز را حفظ کرده‌اند.

تجربه نشان داده است که رژیم‌های نرخ ارز شناور کنترل شده یا نرخ‌های ارز تثبیت شده می‌توانند به طور ناگهانی در بازارهای ارز محک زده شوند. چه، از آنها دفاع شود یا تحت شرایط نابسامان از آن خارج شوند، این آزمون می‌تواند برای آنها گران تمام شود.

ما مسؤولیت داریم به اعضای خود توصیه کنیم، مسادامی چنین رژیم‌هایی می‌توانند موفق شوند، که نیازهای یک کشور برای حفظ یک نرخ شناور کنترل شده یا تثبیت شده، تأمین شوند، بخصوص زمانی که آن کشور به شدت در بازارهای بین‌المللی سرمایه فعال باشد که در آن صورت هیچ راهی برای اشتباه وجود ندارد.

کشورهایی که نمایل به قبول چنین سیستمی دارند، باید بدون تردید از سیاست‌های مساعد اقتصاد کلان پیروی کنند و از هزینه‌های مربوطه نیز آگاه باشند. این هزینه‌ها

آمریکای لاتین کم نبوده است.

اخبار خوب آن است که به لطف عملکرد اقتصادی بهتر اروپا و کاهش میزان رشد اقتصادی آمریکا، تغییر این وضعیت در حال انجام است.

برای بانک مرکزی اروپا راه درست آن بود که مشخص کند، ارزش کم یورو نسبت به ارزش واقعی آن برای این بانک قابل قبول نیست. مداخلات بانک مرکزی اروپا، قدرت نهادی این بانک را نشان داده است، البته می‌دانیم که مداخله مستمر نمی‌تواند روندهای بازار را تغییر دهد.

از این رو، مداخله باید انتخابی باشد و در نهایت به طور هماهنگ صورت گیرد. گرچه این امر عاقلانه نخواهد بود که وارد مسأله تعهدات رسمی درباره سطوح خاص نرخ ارز شویم، ولی کشورهای عمده عضو صندوق بین‌المللی پول برای ایجاد بیشترین امکانات جهت هماهنگی سیاست مؤثر برای کاهش بیشترین امکانات جهت هماهنگی سیاست مؤثر برای کاهش حساسیت نرخ ارز

سیاست نرخ ارز

از زمان فروپاشی طرف‌های ثابت سیستم برتون وودز در اوایل دهه ۱۹۷۰ همواره تمایل گسترده‌ای برای یافتن زمینه‌ای جهت کسب ثبات بیشتر در نرخ‌های برابری سه ارز مهم جهان وجود داشته است.

از زمان اعلام یورو تاکنون، همواره توجه به سوی پیشنهادات ارایه شده بر قبول احتمالی مناطق مورد هدف نرخ بهره، بوده است. اما باید این را تشخیص دهیم که محیط جهانی امروز حتی نسبت به ۲۵ سال پیش کمتر پذیرای چنین سیستمی است.

واقع‌بینانه باید گفت، اگرچه هیچ جایگزینی برای نرخ‌های برابری شناور بین سه ارز مهم وجود ندارد، اما به معنای آن نیست که کشورهای بزرگ صنعتی باید غفلت را پیش گیرند.

کاهش ارزش یورو و نیز ارزش بالای دلار آمریکا، صادرات اروپا را شکوفا کرده، ولی مشکلاتی را نیز به

شامل نرخ‌های بهره فوق‌العاده بالا می‌باشد که در مواقع وجود فشار شدید بازار مالی، احتمال دارد ضروری احساس شود.

علاوه بر آن امور بازرگانی و مؤسسه‌های مالی داخلی باید برای همراه بودن با چنین تعدیل‌های سیاسی به طور کامل آماده باشند.

یک سیستم نرخ شناور به خاطر اشتباهات مشی در پیش گرفته شده، بخشودنی‌تر است و از این رو می‌تواند راه حل امن‌تری برای اکثر کشورها باشد. البته منظور این نیست که در آن کشورها، مقامات نسبت به روند نرخ ارز بی‌تفاوت هستند. در واقع در یک برهه‌هایی این امر برای تعدیل سیاست پولی در پاسخ به تحولات خارجی مناسب است. با وجود یک نرخ شناور نیازی نیست که برای دفاع از نرخ ارز مورد هدف به تخلیه ذخایر خارجی پردازیم.

علاوه بر آن، یک کشور مادامی که نشانه‌ها، علائم مهمی از بازارهای ارزی در مورد مساعده بودن چارچوب خط مشی‌اش دریافت می‌کنند، می‌تواند سیاست پولی مستقل‌تری را در پیش گیرد.

برای اطمینان خاطر، باید توجه داشت که شناور بودن نرخ ارز، نوسدارو نیست، بلکه این امر به یک حامی جایگزین برای سیاست پولی و انتظارات تورمی همچون هدف‌گیری تورم، نیاز دارد و کشورها می‌توانند همچنان با گزینه‌های مشکلی مواجه شوند، به ویژه اگر آنها با نوسانات

بزرگی در جریانات بین‌المللی سرمایه روبه‌رو شوند. اما فقدان یک نرخ ارز مورد هدف، مخاطره فوق‌العاده مهمی را در برابر آزادی مدیریت سیاست داخلی و سروکار داشتن با شوک‌های خارجی، فراهم می‌آورد.

موارد کنترل و آزادسازی حساب سرمایه

نباید تعجب کنیم که بحران‌های اخیر مالی در بازارهای در حال گذار به بررسی استحقاق‌های موارد کنترل سرمایه منجر شده‌اند. برای مثال تجربه اولیه در شیلی مؤید آن است که به کارگیری قوه قضاوت سلیم درباره موارد کنترل ورود جریانات کوتاه‌مدت سرمایه، می‌تواند به دوری جستن از رشد هنوز در خصوص تجربه مالزی که کنترل خروج سرمایه در خلال بحران مالی آسیا را اعمال کرد مدرک واضحی وجود ندارد.

اما در برخی کشورهای دیگر، تأثیر موارد کنترل به وضوح منفی بوده است. به طور اخص، زمانی که موارد کنترل حساب سرمایه به عنان یک امر جایگزین برای تعدیل ضروری یا تحول نهادی در اقتصاد به کار گرفته می‌شود، توانمندی رشد اقتصادی کاهش می‌یابد، انگیزه‌هایی برای فساد و تجاهل بروز می‌کند و مانع دستیابی به سرمایه خارجی بدون اعلام آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، می‌شود.

به همین دلیل، حتی موارد کنترل ورود جریانات کوتاه‌مدت سرمایه، باید

با حمایت سیاست‌های مناسب در ارتباط با راهبرد خروج سرمایه و برنامه لغو کنترل‌ها به کار گرفته شوند.

با توجه به تجربه‌های مختلفی که تا این تاریخ به دست آمده، انجام تحقیقات و تحلیل‌های بیشتر برای ارزیابی هزینه‌ها و منافع موارد کنترل سرمایه در شرایط خاص، ضروری است.

به عقیده من هیچ مسأله گیج‌کننده‌ای وجود ندارد، زیرا یکپارچگی در اقتصاد جهانی، مسأله چالش‌آوری است، ولی در درازمدت دورنماهای بهتری را برای رشد و کامیابی فراهم می‌آورد.

منافع حاصله از یکپارچگی دقیق در سیستم مالی جهانی از مخاطرات آن بیشتر است، با این حال باید از بحران‌های اخیر در بازارهای در حال گذار بیاموزیم که در برخی موارد، آزادسازی سریع حساب سرمایه، به وضوح وجود داشته است.

کنار آمدن و سازش ایمن با جریانات حساس بین‌المللی سرمایه، مستلزم اجرای سیستم‌های مالی مناسب داخلی، نظارت کافی، مقررات احتیاط‌آمیز و ظرفیت‌های مناسب مدیریت مخاطره (ریسک) در بانک‌ها و مراکز بازرگانی است که با شفافیت بیشتر و انطباق بازار تقویت می‌شوند. این امر حایز اهمیت است که این پیش‌شرط‌ها تا سر حد امکان و قبل از آنکه حساب سرمایه به طور کامل گشوده شود، در جای خود

قرار گیرد. از این رو، در برخی موارد، روند انتقال احتمالاً باید تدریجی صورت گیرد. کارکنان صندوق بین‌المللی پول در صدد بررسی تجارب حاصله در

از مساعدت مالی صندوق بین‌المللی پول به اعضای منطقه که تلاش‌هایی در جهت تعدیل به عمل آورده‌اند، تشکر می‌کنم و از اینکه در انتظار تبیین شرایط همکاری ما در

تشکل‌هایی از اتحادیه سیاسی که اعضای آن حاضر به همکاری در طیف وسیع‌تر سیاست‌ها باشند، مورد حمایت قرار گیرد.

روند یا جریان یکپارچگی در اروپا هنوز پایان نیافته است و نتیجه نهایی همچنان باید به دست آید.

در این زمینه، اجلاس اخیر سران اروپا در

کشورهایی که تمایل به پذیرش نرخ شناور کنترل شده ارز دارند، باید از سیاست‌های مساعد اقتصاد کلان پیروی کنند و از هزینه‌های آن (نرخ بهره بالا در مواقع بروز فشار شدید بازار مالی) آگاه باشند.

تمددادی از کشورهای هستند که در شرف انتشار جزییات و پیشنهادات عملی در مورد به توالی درآوردن برنامه‌ها می‌باشند.

این مورد مهم هستند، قدردانی می‌کنم.

همکاری منطقه‌ای

همکاری یکپارچگی و منطقه‌ای می‌تواند نقش بسیار مهمی را در کمک به کشورها در یکپارچه شدن موفقیت‌آمیز در سیستم‌های تجاری و مالی جهانی ایفا کند.

همکاری منطقه‌ای در آسیا اخیراً توانی را به منزله راهی برای مقابله با چالش‌های جهانی شدن به دست آورده است. این مسأله کاملاً طبیعی و مثبت است.

کشورهای آسه‌آن ۳+ (اعضای اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا به همراه چین، ژاپن و کره) پیشنهاد کرده‌اند که همکاری مالی منطقه‌ای از طریق شبکه‌ای گسترده از تسهیلات مبادله کالا افزایش یابد.

من از این ابتکار عمل استقبال می‌کنم و کشورهای آسه‌آن ۳+ را تشویق می‌کنم که این ابتکار عمل را عملی سازند.

اروپا هنوز پایان نیافته است و نتیجه نهایی همچنان باید به دست آید.

در این زمینه، اجلاس اخیر سران اروپا در

نیس گامی دیگر به جلو بود. این اجلاس ضرورت روشن‌سازی بیشتر طبیعت یکپارچگی اروپا را برجسته کرد و مورد تأکید قرار داد.

پیشنهاد نمی‌کنم که تجربه اروپا مدلی است که آسیا می‌تواند و باید از آن تقلید کند.

تحولات منطقه‌ای در آسیا باید با پویایی‌ها و تحرکات سیاسی کشورهای آسیایی و سابقه تاریخی منحصر به فرد خودشان اداره شود.

لیکن با توجه به الگوهای تجاری و جغرافیای منطقه معقول به نظر می‌رسد که در مورد ایجاد یک بازار داخلی در آسیا به منزله یک صحنه احتمالی آینده در همکاری منطقه‌ای فکر شود و اگر مردم آسیا بخواهند، چرا نباید این مسأله، اساس یکپارچگی بیشتر پولی قرار گیرد؟

اتحادیه اقتصادی و پولی اروپا

اتحادیه اروپا معرف یک روند دور از دسترس یکپارچگی منطقه‌ای است. آغاز این اتحادیه با ملاحظات شدید سیاسی به ویژه با امید ترویج صلح و ثبات در منطقه که با بروز جنگ دوم جهانی تخریب شده بود، رهنمون شد.

تردید نیست که این روند به ایجاد ثروت و ثبات در اروپا کمک کرده است. لیکن آشفتنی در مکانیزم نرخ ارز اروپا در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ (که منجر به آن شد که انگلیس این مکانیزم را رها کند) یک هشدار است، مبنی بر آنکه یکپارچگی پولی پیش‌رونده باید در شرایط همگرایی سیاست‌ها و عملکرد ملی اقتصادی، به اجرا درآید.

عقیده دارم که اتحادیه پولی در اروپا باید در درازمدت توسط